

هل اداره اصفيان سردر مطبعه
[عنوان تلگرافی راه بجات]
صاحب امتیاز و مدیر مسئول
(ابراهیم)
مکاتوب وارده در درج و اصلاح
اداره مختار است

کتابخانه

← قیمت روز نامه ←
اصفهان یکماه ۵۰ تومان
داخه یکماه ۵۰ تومان
(هفته یکمرتبه طبع و توزیع میشود)
اجرت اعلانات و لوايح خصوصی
پادفتر اداره است

(باز هم میگوئیم) ← بشارت آسمانی ← (آیا هورت نمیکند)

الدين يکدنزون الاله و الفضة و لا يفتقونها في سبيل الله فبشرهم بطاب اليم .
آن کسانی که طلا و نقره را ذخیره مینمایند و در راه خدا انفاق نمیکند پس ای پندبر گرامی
آنها را بشارت بده بظاب درد ناک . -

(احتذار)

نظار به اهمیت مطالب و مضامین
مقاله ذیل که به اداره ما رسیده در
این هفته از مقاله مسائل خورد نخت
هنوان (فکر و عمل) صرف نظر
نموده و بجزیره بعد ادا مه آن را
مو کول نمودیم

(امال لندن بایران)

(یا و - شهر ری غرب - لندن شرق)
بامال زنده میشویم . بامال مرده
ارل نسبی که انصاف استتحاق
میکند . جبهه زندگانی خود . و
آخرین نفسی که بیرون آورده از جوف
دو فضا آمال است .

هر کس خود را از این آمال
منصرف بدارد زندگانی وی محال
است و پادرومای گوناگون خود را
اطمینان داده که آمال جاده حقیقی اوست
تا ز ما بیکه ای نوع بشر در این
خیال هستند زنده اند و همیشه در
جستجوی آن خیال با یستی باشند . -
بنکر میدان جنگها را همانا خواهی
دید که ناله جنگ جو بان بر پاست
خواهی دید که توپ کروپ با مرع
زمان نیست و نا بود کرده آن
مخلوقرا . آسمانرا پر از دود خواهی
دید . آتش جان سوز در دلهای آن

بی چاره کن خواهی دید .

جوانان در آن معر که داد ایك
ایك گفته . و خود ما را به آتش
درخشان انداخته خواهد دید .
مرا اوز . شرا بل ابر بلان . نارنجك
سوز نیزه بان جوانان بر میخورد
و شجاعت آن دهران بروز داده
میشود و اگر به پرسی که چرا چنین
میکنید در جواب خواهند گفت بامال
زنده میشویم به آمال مرده

خواهی دید که انسان . حیوان . جاد .
نبات . کلیه مخلوق را دادزده میگیرند
به آمال زنده میشویم . به آمال مرده
خوب است مشوال کنیم از ملل
متمدن عالم دواتهای با علم . با قدرت .
فرزندان مدارس . طالبین مدارس
جوانان عصر علم . برای چه بزرگی
جهازها . برای چه زبادی و بانظمی
فشونها برای چه نخت البحر بها .
برای چه پر کردن کوله تو بها .
برای چه آتوبیل های زره پرشها
برای چه بالونها . برای چه زبادی
مخارجهها . چه جسته است نام این
الآرا به نژاد خود صرف میکنید . و
دلای خود را قسی و معنی انسانیت
را از خود دور میاندازید .
آیا آن جوانان و شید که تف می

شوند در لزای آنها چه پیدا میکنند
آیا آن زر و نقره که بمصرف می
رسانید چه نهیبه بدست میاید .
آیا کلهای و طن که زحمت در
تربیت آنها کشیدید و آنها را عالم
و معلم گردانیده اید در تلف شدن
آن بی چاره گان چه فائده حاصل
میکنید . در جواب خواهند گفت
که با تو و آن کسیکه به بی روی
حقیقت میبرد شربك هشتم و میگوئیم
به آمال زنده میشویم به آمال مرده
شاکرد مدرسه مایل است معلم شود
تا بین میخواهد صاحب منصب شود
فقره درخواست میکنند پول دار شود
رهیت مالک و ارهاب شود .
عابد جزای آخرت میخواهد .
کور بینا شود . بجنهد علم و اجتهاد
خود را بروز دهد .
روز نامه نویس صحیفه خود را
مشرک گرداند .
مهندس . طایب . فیلسوف . همی
فریاد زده میکنند
به آمال زنده میشویم بامال مرده -
خواننده محترم را خیالی بنا شد که
مساعده در حقوق آمال میکنم کهست
که آن خیال جلورانی را تقدیر نکند .
مکر نظام عالم بواسطه آمال نیست .

تفتیش کن جبهه سینه را خواهی دید که خطبه خوان آمال بر قلب که سلطان امضا و جوارح است ایستاده و میخواند .

ای مملکت عظیم . ای نظام منور . ای عضلات قوی که بهترین ترکیب مرکب شده . و برای تو نظام و قوانین ترتیب شده که محکم حیا تی تو را در سجل خود مسجل ساخته . و واجب گردانیده که حافظ استغلات باشی و بخوانی آمال را و تفسیر او را بجل کونی

بمال زنده میجویم - بمال مرده بخوان ف بجه حیا ترا ان بجه که فطرت و طبیعت منشی او برد خواهی فهمید که عمل تهیه مال است . و آمال اولین مرتبه عمل است پس در این صورت آمال . اول ترقی و مدنیت است و ان چیز بیک تاویک میسکند انقی انما نیت و حقیقت . و ترقی و تمدن . و معادیت را همانا مال دروغ است که بعضی از ملل غرب او را در قالب حقیقت انداخته و بزرگ ترقی و تمدن در هیئت اجبا به جلوه گر ساخته کبری چاره صنمف را در زندان ابدی اقتصادی محسوس میسکنند . و بمقدمه خود او را مجرم قراوداده . چونکه در حقوق اشتراک طلب است و مایل اند که همیشه کار گیر و فرمان بر خود شان بگردانند .

اینک امالی است که دروغ و اقبال حقیقت نیست . لیس کرده اینک امالی است که ملت شر قرا در نظر غرب ضعیف قلم داده و مثل حیوان افکار او را گرفته و بهر طرفی که ما یاند میکشاند اینک امالی است که برای حفظ دندوستان . و تکمیل شدن بین النهرین

و میادیت بر آسیای صغیر (ملت ایران) دوست قرار داده و در دو سال قبل مشاهده را باضا برسانند اینک امالی است که در مجامع (سن ریمو) مملکت عراق عرب را جاهل خوانده و خود را وصی و قیم قرار دهد .

اینک امالی است که فلسطین را و ملل قومی یهود بخوانند در صورتیکه هرب مسلمان در آن قطعه مقدمه پیشتر است .

اینک امالی است که با دوات جدید مصر با معاهده نموده و برای حفظ خط هندوستان (ترعه سویس را) درخواست نماید

لازم است در مقابل امال دروغ مصر بدست خیزی مقایسه شود بازمان سابق مشرق . مدنی مملکت مشرق مرکز علوم و منبع فلسفه و آنتشاقات و اشهرات بوده . که ملت غرب در آن مدوسه نصیب میگردد مثل قرطبه . بابل . انبار . سور . هراغه . شوش . نیشابور . جایگاه . اشوریا . فینقیها . مصر بها . فرسیها . هریها و مانند . او خیدس . ابو قراط . فیثا غورث . بطلموس . قبل از میلاد و بعد از آن تاریخ . هرخیم . ابن رشد . فر دوسی . ابو هلاله . هری . خواجه . بر علی سینا و غیر هم ازان مدارس عالم بیرون آمده و علم خود شانرا بملت غرب و مملکت آنها انشار داده

که هر چه الی ان در ملت غرب دیده میشود از معارف ان بزرگواران بوده است . آثار چاهای بابل . و خرابیهای نینوی . و شهر ساسره و تخت جمشید و آکشافات اهواز . و شوشان . و اهرام مصر بخوبی دلالت مدهند که چه برده است

مملکت مشرق . ان نسیم نعل و حریت و مساوات و حقیقت که در آنها برد کجا رفت اگر جستجو کنیم اثری نخواهیم دید علم هیئت و ریاضی که از هند و ستان و بین النهرین منتشر میشد الان باقی نیست گویا تماماً از رود های در بای شنید و خلیج فارس و دریای هند و بحر احمر آب حیات میخورند چه در کوان رود های برهما موجود است ولی ملت مشرق آنها را از دست داده و با دوات پراز استبداد و امال دروغ لندن و پاریس . بطر کرد بران . و به . بردا پست نیو یورک یاد گرفته و منسک شده اند

آری اگر بنظر بصیرت و کمال عقل بنگریم امروزه نام آنت آمال ها کسینته و مساک مساوات طلب . منتشر سکوردیده . و سامی ملل ضعیفه مشرق شده .

آن نوریکه از مسکو بر خوراسته فضا عالم را منور و چنانچه قوه جاذبه شر قرا بطرف ان نور متمایل دست استعداد و استعداد را بریده و کوه تاه گردانیده است .

امروز روزی است که ایران قبل از نام ملل مشرق جبهه و مملکت خود را بان نور منور داشته و استاد سایر ممالک مشرق گردیده و نماینده خود را بطرف مسکو فرستاده و ماده ۲۶ (سو نیت) که حیات و استقلال ایران را متضمن است با دولت سابقیت متعهد گردانیده و از این دو باید سپاس گذار هیئت دولت حاضر شویم که ابرازا بطرف حیات ابدی رهبری نموده و امبدامت که بیکایک مواد قرار داد منور را بصورت عمل نیز در آورده .

و در عاقله مفا له خود به بلند ی ایستاده از ته دل فریاد بر میاورم - به آمال زنده میجویم - به آمال مرده (سید محمد باقر سر کشک زاده) (بازم هم حاد السلطنه و بشاکری او) راسخ در مقابل انجلیج و بشاکری حاد السلطنه در بیت المال ملی که بشاهدات دلائل محسوسه غیر قابل انکار و بدرجه شهسود رسیده بهیچ وجه نمیتواند از خود نفی و دفع نماید - دولت وقت و وزارت جلیله مایه چه اندیشیده و چه تصور مینماید - اخ اخ برای چه دست تکدی مایه نزد این و ان دراز باشد و حقوق ماده هومیه ملت را این مناصر خود پرست ضبط نمایند ۱ - تاکی جامعه ما فقیر و تشکیلات ما ناقص باشد و خوف عامه در کابلد این زالوهای مایه دوران کند .

تا چند ماورین جزو کشوری و مستخدمین آیین لشکری برای جزئی حقوق معطل بوده و چهار و پنج ماه به خیاز و انتظار بگذرانند و الاق و الوف هواند دولت را این قواوت بشاکر برابند .

کدام جبهه فلسفی . سیاسی . اجتماعی ایجاد میکنند که برای جریان نظیبه اصفهان و حقوق پلیس های زحمت کش مجبور به قرضه و مرابحه ده دو بوده باشیم و مبالغ هنگفتی پول نقد و حاصل دست و پنجه ملت را اقای حاد السلطنه بخورند ۱۱۱

کدام مانع سیاسی . ملی . قانونی یا غیره در طرف حاد السلطنه قرین موجودیت میباشد که هیئت دولت و وزارت مایه را از تفتیش و تصیق محاسبات و عملیات ایشان منزع مبادارد .

آیا حاد السلطنه در دوره های بی حسابی پیشکار مایه اصفهان نبوده . - چرا
آیا حاد السلطنه در نهایت خود مری تصدی خود را خاتمه نداده . - چرا
آیا حاد السلطنه سرقت عمومی و بشاکری در مایه اصفهان نموده . - چرا
آیا از خرابکاریها و سرقتهای حاد السلطنه تاکنون مستوره و نمونه هائی بدست نیامده . - چرا

آیا موارد عدیده بشاکری حاد السلطنه بزحمت ملی میکشوف نگردیده . - چرا
آیا در تصدی حاد السلطنه اغلب بشاکران مباشر و مشهر نبوده و بقدر قره نبرده و نخورده اند . - چرا
آیا حاد السلطنه تاکنون در تصدیات خود بر عرض محاسبه و رسیدگی وزارتی در آمده و سوابق خوب و روشنی پیدا کرده که اکنون به امید درستی او اهمیت بمطالب نمیدهند - نه نه نه - پس ما باز تکرار نموده و به آواز بلند بلام حفظ حقوق دولت و ملت میسکونیم که حاد السلطنه به اسرع وقت و بطور لزوم باید محاکمه و باز پرس شود تا حقایق اشکارا گردد . -

(یک خبر تصحب اور ۱۱۱)
در این چند دوزه قضیه بریدن اشجار هشت و بهشت (یعنی ان یکا باغ ملی و درختانی که بنوک انکشتان سلاطین عظیم الشان صفویه هرس و از آب چشم مات مشروب و باخون دل به این پایه رسیده) فوق العاده محل بحث و گفتگوی هم مجلس و هم انجمن گردیده هر کس بزبانی این قطع و بیه امید ملت را که یک نفر ارمی با تیشه در اوت

بریشه تاشاه گاه مات زنده و می زند مورد راه و افسوس خود قرار داده اند . -

صیبا آیا هنوز روزی که یک نفر حق شناس - و یا یک نفر وطن دوست - و یا یک نفر فداکار - قد مراد انکی علم کرده و انتقام ملت را از خائنین وقت گرفته نرسیده ۱۱۱
ایا هنوز در کابینه ملی ما یک نفر وزیر مایه پیدا نشده که اصغای مطالب حقه عموم را نموده و ابن فریاد ها را بسکوش خود شنیده اقلای یک جوانی بدهند .

آیا آقای وزیر مایه با این کثرت مشاغل و گرفتاریهای امروزی و تنگی وقت بقدر دو دقیقه وقت پیدا مینمایند که به بیند متصرف هشت و بهشت فرمان دولت را هم دارند یا به حقه بازی و بدست آویز زمان استبداد یک باغ ملی - و یک منظره عمومی - و یک محل را سکّه اگر بخورند با ملیونها پول امروزی ساخته شود از عهده برنخورند آمد و آخرین یادگار صنوبه است مداحه و تصرف کرده و غاصبانه در او زندگانی مینمایند در خانه پس از اینکه از پیشکار مایه تا ضای جلوه گیری از بدن اشجار کهن سال زمان صفویه را داریم از وزارت جلیله مایه هم بنام احقاق حقوق عمومی تا ما میزبانیم اینک که خود سردار اعظم در طهران است معین کنند با فرمان دولتی این تاشاه گاه عمومی را اشغال کرده اند یا مثل سایر دهات و قصبات خود غاصبانه مداخله مینمایند ۱۱۱

(بنما کران مایه را مجازات چیست)
در چند شماره روز نامه متوالیا راجع بر ضعیفات ناگوار مایه و بیجا

کران آن حقایق ثابت را نکاشتم --
اما در موضوع آقای عماد السلطانه
روی سخن و وجهه قلم ما بطرف
دولت متوجه است . -

و اما در مو ضوع خیانت کاری
اعضا و سران شعبات روی سخن و
جاریف پیشکار مالیه معطوف نموده
و سترالات ذیل را مینایم . -

آیا باید صرف نظر از همه خیانت
کلرهای آقایان عامل مالیه نمود ۱۱
آیا باید از ده هزار و دو بیست و
پنجاه و سه تومان حبس و مبل شده
هلوك اوبه صرف نظر کرد ۱۱

آیا زر زارمی سه هزار تومان
پول مدین را باید نوش جان کند ۱۱
آیا پول های که داری . خانواری
. دخانات و غده چه میشود ۱۱

آیا حساب امنای مالیه هلوكات
چه وقت تحت مطالعه بیرون
می آید ۱۱

آیا هیچ خیانت کاری تا این دو چه
حیف و مبل را به بیت المال عام
روا داشته که آقایان روا داشته و
اعمال نموده اند ۱۱

راستی قلم ما شرم دارد از این که
جزاً تجز عملیات شناخت کلرانه خائنین
مالیه را بطور وضوح نکارش دهد ۱۱
یا للعجب بمطالع در حساب و تاخیر
یا عدم مجازات فرزندان بی جهة
را قدری جسور تر و در خیانت
تند رتر میناید ۱۱

اگر اندکی تقشیر و رسیده کی
نسبت به عملیات خائنین معمول گردد
کان مهر و د که نخبه پنا قریب بکصد
هزار تومان برای دوات آشکارا
و پیدا نمود ۱۱
اما حرف بدوا در محاسبه و مطالبه

و بعداً در اخذ و استرداد آنست -
و برای نمونه کثرت و تراکم هزدی در
مالیه اصفهان این مسئله کفایت میکند
که خائنه کاید ساخته و بصندوق
مالیه انداخته و جوهر مو جوده را
بسرقت می بردند ۱۱۱

عجیباً همان قبیل اشخاص مشاهده
میشوند که با کمال جلالت در اداره
مالیه مشغول ایاب و ذهاب بوده و
در پشت میز های رسمی جلوس کرده
بعوی که گزینی از خیانت کاری های
خود قرین احتیاض هم میناشند ، در
خانه ، باز تکرار میکنیم آیا پیشکار
مالیه که خوبشتن را به اصلاح کاری
مالیه معرفی نموده کدام وقت وجه
زمان و چگونه ساسبه و مجازات
خائنین را در نظر خواهند گرفت .
الته تصدیق مینمایند که مجازات
تنها انفصال از عمل نیست بلکه اخذ
مسروقات و تهیه مجازات های عملی
وکن عمده مجازات بشمار است

(تاخیر در افتتاح پارلمان)

بقرار خبر غرورستیمی که به اداره
ما رسیده افتتاح دارالشورای ملی
به تاخیر افتاده است بدیهی است
اغلب از وکلانی که ملت در مورد
آنها وحدت فکر ندارد و ضمناً را
مبهم نموده و همین ترتیبات هر ض
ندام مینماید . -

(دستگیری و توقیف)

به اقدامات آقای شاپور خان رئیس
کیسار یای ناحیه دو رضا قلی سارقی
که در این ایام با يك دسته از رفقای
خرد طلوع نموده و تنبها نیز اندازی
مینمودند دستگیر گردیده و در نظمی
توقیف میباشد ولی متأسفانه رفقای او
فرار کرده اند . -

(ما و این تحت الحفظ)

در دو روز قبل بمباشرت و محافظت
يك دسته ژاندارم چند نفر سارقین
بجالت باز و بسته کی بشهر وارد
شدند . -

(و اردین)

در هفته گذشته آقای ماژور
عبد العلی خان رئیس ژاندار مری
باصفهان وارد گردیدند .

و نیز آقای سردار امیر حسین
خان حکومت یزد ورود باصفهان
نمودند .

(مکتوب هیئت اصناف)

در این هفته مکتوبی از طرف
هیئت اصناف به اداره ما رسیده که
بواسطه ضیق صناعات درج آنرا بهفته
اتبه موکول داشتیم . -

(مکتوب متظلمانه)

يك مکتوب متظلمانه به امضای چند
نفر به اداره ما رسیده و در آن
مکتوب تعدیات آقای محمد ابراهیم
ارباب متصدی عمل فرا که و غیره
وا شرح میدهند و من جمله مینویسند
بنا بود از طرف پیشکار مالیه اعلانی
انتشار داده شود و مالیات های
فوا که را از روی دفتر صحیح معین
فرمایند و تا کنون آن اعلان انتشار
نیافته و محمد ابراهیم ارباب نیز برخود
سری خود افزوده و کمال تعدی را
مینماید . - خلاصه مکتوب همین بود .

ولی ما میگوییم آیا وقت آن
نرسیده که خائنه به تعدیات زنبور
های دوره استبداد داده شود
زیرا که بدن ضعیف ملت طاقت
نیش های زهرالود افان را بی
از این نداره

اصفهان مطبعه حبل المتین